

Part One

قسمت اول

A. Match the pictures with phrases.

الف) تصاویر را با جملات داده شده جور کنید.



a



b



c



d

b This gives us an easier life when there is no light.

لایت ن ایز ذر ون لایف ئیری ان آس گیوز ذیس

این زندگی ما را راحت می کند وقتی که هیچ روشنایی نباشد.

c People use this to talk with someone in another place.

پلیس انادر این ساموان ویت تاک تو ذیس یوز پی پل

مردم از این استفاده می کنند برای صحبت با کسی که در جایی دیگر است.

d We use this to take and keep pictures very easily.

ئیزی لی وری پیکچرز کیپ اند تیک تو ذیس یوز وی

ما از این استفاده می کنیم تا خیلی آسان عکس بگیریم و نگه داریم.

a This helps us travel very fast to far places.

پلیس از فار تو فست وری ترول آس هلپس ذیس

این به ما کمک می کند تا خیلی سریع به مکان های دور سفر کنیم.

B. Can you order the devices based on the time of their making?

ب) آیا می توانید این وسایل را بر اساس زمان ساخت آنها مرتب کنید.

	a	b	c
Camera c-a-b			
Light bulb c-b-a			
Telephone b-a-c			
Airplane b-c-a			

## Part Two

## قسمت دوم

## A. Match the pictures with the words.

الف) عکس‌ها و کلمات مربوط را مطابقت دهید.



a building  
یک ساختمان



a laboratory  
یک آزمایشگاه



scientists  
دانشمندان

## B. Choose an appropriate adjective for each word above.

ب) برای هر کلمه از بالا یک صفت مناسب بیابید.

modern **building**Iranian **scientists**old **laboratory**

## Conversation

## مکالمه

Roya and Mahsa are leaving the library.

رویا و مهسا در حال ترک کتابخانه هستند.

Roya: When I came in, you were reading a book. What was it?

رویا: وقتی آمدم داخل، تو در حال خواندن کتاب بودی. آن چه (کتابی) بود؟

ایت واز وات بوک اِ ریدینگ وِر یو این کیم آی وِن رویا

Mahsa: I was reading a book about famous Iranian scientists.

مهسا: من در حال خواندن یک کتاب در مورد دانشمندان مشهور ایرانی بودم.

ساین تیستز ئی ری نی ان فی مس اِ باوت بوک اِ ریدینگ واز آی مهسا

Roya: But such books are not very interesting.

رویا: اما چنین کتاب‌هایی خیلی جالب نیستند.

اینترستینگ وری نات آر بوکس ساچ بات رویا

Mahsa: At first I had the same idea, believe me!

مهسا: اولش، من هم همین عقیده را داشتم. باور کن!

می پلیو آیدی اِ سیم ذِ هِد آی فِرست ات مهسا

Roya: Did you find it useful?

رویا: آیا به نظرت مفید بود.

یوس فُل ایت فایند یو دید رویا

Mahsa: Oh yes. Actually I learned many interesting things about our scientists' lives.

لایوز ساین تیستس آور اِ باوت ئینگز اینترستینگ منی لِرند آی اِ کچولی یس اِ مهسا

مهسا: اوه. بله. در واقع، من چیزهای جالب زیادی در مورد زندگی دانشمندان مان یاد گرفتیم.

Roya: Like what?

رویا: مثل چی؟

وات لایک رویا

Mahsa: For example Razi taught medicine to many young people while he was working in Ray Hospital.

هاسپیتال ری این ورکینگ واز هی وائلُ پی پل یانگ مینی تُو مدی سن تات رازی ایگزَمپلُ فُر مَهسا  
مهسا: برای مثال رازی وقتی که در بیمارستان ری کار می کرد به بسیاری از افراد جوان پزشکی تدریس می کرد

Or Nasireddin Toosi built Maragheh Observatory when he was studying the planets.

نَکیتُسُ دِ ستادی اینگ واز هی ون آبروتِری مراغه بیلتُ توسی نصرالدین اُر  
یا نصرالدین طوسی وقتی که در حال مطالعه سیارات بود رصدخانه مراغه را ساخت.

Roya: Cool! What was the name of the book?

رویا: چه خوب! اسم کتاب چی بود؟

بُک دِ آو نییم دِ واز وات کول رویا

Mahsa: Famous Iranian Scientists.

مهسا: دانشمندان معروف ایرانی.

ساینتیستسُ ای ری نی پی فی مس مهسا

### Questions

Answer the following questions **orally**.

به این سؤالات به صورت شفاهی پاسخ دهید.

1. Were Mahsa and Roya in a laboratory?

آیا مهسا و رویا در یک آزمایشگاه بودند؟

**No, they weren't. they were in a library.**

2. Who came to the library sooner, Mahsa or Roya?

چه کسی زودتر به کتابخانه آمد؟

**Mahsa came to the library sooner.**

3. Do you know any interesting story about famous scientists?

آیا شما هیچ داستانی از دانشمندان معروف ایرانی می دانید؟

**No, I don't. / Yes, I do.**

## New Words and Expressions کلمات و اصطلاحات جدید

A. Look, Read and Practice.

نگاه کنید، بخوانید و تمرین کنید.



Melika **tries** hard to learn English.

اینگلیش لرنُ تو هارڈُ تُرای ز ملیکا  
ملیکا سخت می کوشد انگلیسی یاد بگیرد.



Babak is an **energetic** boy.

بوی اینرجتیک آن ایز بابک  
بابک یک پسر پر انرژی (فعال) است.



The students **do experiments** in the school laboratory.

لَبَرَتوری سَكول ذِ این اِکس‌پری‌مِنْتَس دو سَتیودینت‌س ذِ  
دانش‌آموزان در آزمایشگاه مدرسه آزمایش انجام می‌دهند.



She is **doing research** on blood cells.

سِلز بِلاد آن ری‌سِرچ دواینگ ایز شی  
او دارد روی سلول‌های خون تحقیق می‌کند.



No **success** is possible without hard work.

ورک هارد ویت‌اوت پاسپیل ایز سِکسِس ن  
هیچ موفقیتی بدون کار سخت ممکن نیست.



Children **grow up** rapidly.

رَپیدلی آپ گرو چیلدرن  
بچه‌ها به سرعت بزرگ می‌شوند.



He has the flu and **feels weak**.

ویک فیلز آند فلو ذِ هز هی  
او آنفلونزا گرفته و احساس ضعف می‌کند.



Edison **invented** the first light bulb.

بالب لایت فرست ذِ این‌ونِتد اِدیسون  
ادیسون اولین لامپ را اختراع کرد.

## B. Read and Practice.

**solve:** to find an answer to a problem

پُراییم اِ تو آنسِرز آن فاینْد تو سالو

*We can help you solve your problems.*

پُراییم ز یُر سالو یو هِلپ کُن وی

**develop:** to grow or change into a stronger, larger or better form

فُرَام بَیْر اُر لاجر سْترانگِر اِین‌تو چِینج اُر گرو تو دی‌ولوپ

*This book can develop your speaking skill.*

سکِیل سِپیکینگ یُر دی‌ولوپ کُن بوک دیس

**belief:** something that you believe

بلیو یو دَت سام‌ثینگ بلیف

*Her belief in Allah gave her hope during difficult times.*

تایمز دِیفیکالت دی‌یورینگ هپ هر گِیو الله این بلیف هر

**quit / give up:** to stop doing something

سام‌ثینگ دواینگ سْتاپ تو آپ گِیو کوئیت

بخوانید و تمرین کنید.

حل کردن: پیدا کردن یک جواب برای یک مسئله

ما می‌توانیم به تو کمک کنیم مشکلات خود را حل کنی.

توسعه دادن: رشد دادن یا تغییر دادن به یک شکل قوی‌تر، بزرگتر یا بهتر.

این کتاب می‌تواند مهارت صحبت کردن تو را توسعه دهد.

اعتقاد، باور: چیزی که به آن اعتقاد دارید.

اعتقاد او به خدا در لحظات سخت به او امید داد.

تسلیم شدن / منصرف شدن: متوقف کردن

Fortunately, his father is going to quit smoking.

سُموکینگ کوئیت تو گواینگ ایز فاڈر هیز فُرچونْتالی

He gave up his work without saying anything to us.

آس تو اینی ثینگ سی اینگ ویث آوت وُرک هیز آپ گیو هی

**thousands of:** a large number of things or people

پی پل آر ثینگز آو نامبر لارج اِ آو تاوژندرز

There are thousands of things I want to do.

دو تو وانت آی ثینگز آو تاوژندرز آر ذر

کاری سرانجام، پدر او قصد دارد سیگار را ترک کند.

او بدون این که چیزی به ما بگوید از کارش منصرف شد.

هزاران، تعداد زیاد: تعداد زیادی از چیزها یا مردم

هزاران چیز وجود دارد که من می‌خواهم انجام دهم.

## Reading

## خواندن

No Pain No Gain

گین ن پین ن

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود

Human knowledge develops with scientists' hard work.

وُرک هارد ساین تیسستس ویث دی ولوپس نالچ هیومین

دانش بشر با سخت‌کوشی دانشمندان توسعه می‌یابد.

Many great men and women try hard to find facts, solve problems and invent things.

ثینگز این وِنت آند پرائلمز سالو فکتس فاینڈ تو هارد ترای وی من آند من گریٹ مینی

بسیاری از مردان و زنان سخت تلاش می‌کنند تا حقایق را بیابند، مسائل را حل کنند و چیزهایی اختراع کنند.

Some of these scientists did not have easy lives. But they tried hard when they were working on problems.

پرائلمز آن وُرکینگ ور ذی ون هارد ترایڈ ذی بات لایوژ ئی زی هو نات دید ساین تیسستس ذیز آو سام

بعضی از این دانشمندان زندگی‌های راحتی نداشتند. اما وقتی آنها در حال کار کردن بر روی مسائل بودند سخت تلاش می‌کردند.

They never felt weak when they were studying. They never gave up when they were doing research.

ریسرچ دواینگ ور ذی ون آپ گیو نور ذی ستادی اینگ ور ذی ون ویک فلت نور ذی

آنها وقتی در حال مطالعه بودند هرگز احساس ضعف نکردند. آنها وقتی در حال تحقیق بودند تسلیم نشدند. (تحقیق را رها نکردند)

There are great stories about scientists and their lives. One such a story is about Thomas Edison.

ادیسین تامس اباوت ایز ستوری ساچ وان لایوژ ذر آند ساین تیسستس اباوت ستوری ز گریٹ آر ذر

داستان‌های معروفی درباره دانشمندان و زندگی‌های آنان وجود دارد. یک چنین داستانی درباره ادیسون است.

As a young boy, Edison was very interested in science. He was very energetic and always asked questions.

کواسچنز اسکت آلویز آند انرجتیک وری واز هی ساینس این اینترستد وری واز ادیسین بوی یانگ اِ از

به عنوان یک پسر جوان، ادیسون به علوم پایه علاقمند بود. او بسیار پر انرژی بود و همیشه سوال می‌پرسید.

Sadly, young Edison lost his hearing at the age of 12.

توالو آو ایچ ذات هیپرینگ هیز لاسٹ ادیسین یانگ سدلی

متأسفانه، ادیسون نوجوان در سن ۱۲ سالگی شنوایی خود را از دست داد.

He did not attend school and learned science by reading books in the library himself.

هیچ سیلف لایبرری ذ این بوکس ریدینگ بای ساینس لرنڈ آند سکول آتند نات دید هی

او در مدرسه حاضر نشد و علوم پایه را خودش با خواندن کتاب در کتابخانه یاد گرفت.



When he grew up he worked in different places, but he never lost his interest for making things.

شینگز میکینگ فَر اینترست هیز لاسْت نِور هی بات پلیس از دیفرنْت این ورکْت هی آپ گرو هی ون  
وقتی بزرگ شد در جاهای مختلفی کار کرد. اما هرگز علاقه‌اش را به ساختن چیزهای جدید از دست نداد.

Edison was famous for doing thousands of experiments to find answers to problems.

پرائلِمز تو آنسِرز فاینْد تو اِکس پری منتس او تاوَزندز دواینگ فَر فی مِس واز اِدیسِن  
ادیسون به خاطر انجام هزاران آزمایش برای پیدا کردن پاسخ برای مسائل مشهور بود.

He said, "I never quit until I get what I'm after".

آفتر اِیم وات گت آی آنتیل کوئیت نِور آی سِد هی  
او می گفت: «من هرگز تسلیم نمی‌شوم تا آنچه را که به دنبالش هستم به دست بیاورم».

Edison had more than 1,000 inventions and was very successful at the end of his life.

لایف هیز او اِنْد ذِ اِت سِکسِس فول وری واز اِنْد این ون شنز وان تاوَزند دَن مُر هَد اِدیسِن  
ادیسون بیش از ۱۰۰۰ اختراع داشت و در پایان عمرش فردی بسیار موفق بود.

Many great names had stories like this. But the key to their success is their hard work and belief in themselves.

ذم سلُوژ این بلیف اِنْد ورک هارد ذِر ایز سِکسِس ذِر تو کی ذِ بات دیس لایک ستوری ز هَد نیمز گریت مِنی  
بسیاری از اسامی معروف، داستان‌هایی مانند این داشتند. اما کلید موفقیت آنها سخت‌کوشی و خودباوری آنها است.

If you want to get what you want, work hard and never give up.

آپ گیو نِور اِنْد هادر ورک وائْت یو وات گت تو وائْت یو ایف  
اگر شما می‌خواهید به آن چیزی که می‌خواهید برسید، به سختی کار کنید و هرگز آن را رها نکنید.

## Reading Comprehension

## درک مطلب

### A. Choose the best answer.

(الف) بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

1- Where did Edison learn science?

- a) In the library ✓ b) At school c) In the laboratory

۱- ادیسون کجا علوم پایه را یاد گرفت؟

(الف) در کتابخانه (ب) در مدرسه (پ) در آزمایشگاه

2- How did Edison find answers to problems?

- a) By sleeping in the laboratory  
b) By doing many experiments ✓  
c) By quitting what he was after

۲- ادیسون چگونه پاسخ مسائل را پیدا می‌کرد؟

(الف) با خوابیدن در آزمایشگاه

(ب) با انجام دادن آزمایشات

(پ) با منصرف شدن از چیزی که دنبالش بود.

3- Which is not true about scientists?

- a) They find facts  
b) They invent things  
c) They feel weak ✓

۳- کدام در مورد دانشمندان درست نیست؟

(الف) آنها حقایق را پیدا می‌کردند.

(ب) آنها چیزهایی اختراع می‌کردند.

(پ) آنها احساس ضعف می‌کنند.

### B. True/False

(ب) درست و نادرست

1- Edison finally lost his interest for inventing things. F

۱- ادیسون سرانجام علاقه‌اش به اختراع چیزها را از دست داد.

2- Edison did not attend school at all. F

۲- ادیسون اصلاً در مدرسه حاضر نشد.

3- Hard work is the key to scientists' success. T

۳- سخت‌کوشی کلید موفقیت دانشمندان است.

C. Match two halves.

- 1- After Edison lost his hearing ..... **b**  
 2- when scientists were working on problems ..... **c**  
 3- If you like to be successful ..... **a**
- a.** you must not feel weak.  
**b.** he did not quit studying.  
**c.** they did not give up.  
**d.** he became a famous person.

(ث) دو نیمه جمله را به هم وصل کنید.

- ۱- بعد از این که ادیسون شنوایی اش را از دست داد.....  
 ۲- وقتی دانشمندان در حال کار کردن روی مسائل بودند.....  
 ۳- اگر شما می خواهید موفق شوید.....
- a-** نباید احساس ضعف کنید.  
**b-** او مطالعه را ترک نکرد.  
**c-** آنها مسئله را رها نمی کردند.  
**d-** او شخص معروفی شد.

Grammar

دستور زبان

A. Read the following texts.

Tahereh Saffarzadeh was an Iranian writer, translator and  
 آند ترنس لی تر رایتر ئی ری نی آن آن واز صفارزاده طاهره  
 thinker. When other kids were still playing outside, she  
 شی اوت ساید پلی اینگ ستیل ور کیدز آذر ون ثینکر  
 learned reading and reciting the Holy Quran at the age of 6.  
 سی کس آو ایچ ذ ات گران هلی ذ ری ساینگ آند ریدینگ لرنڈ  
 As a young student, she was working very hard to learn new  
 نیو لرن تو هارد وری ورکینگ واز شی ستیودنت یانگ ا از  
 things. She also was writing poems at that time. She  
 شی تایم ذت ات پوامز رایتینگ واز آلسو شی ثینگز  
 published her first book while she was still studying in the  
 ذ این ستادی اینگ ستیل واز شی وائل بوک فرست هر پابلیشت  
 university. She got interested in translating the Holy Quran  
 گران هلی ذ ترنس لیت اینگ این اینترسید گات شی یونیورسیتی  
 when she was studying and teaching translation. She  
 شی ترنس لی شن تیچینگ آند ستادی اینگ واز شی ون  
 published her translation of the Holy Quran in 1380.  
 ثرتین ایتی این گران هلی ذ آو ترنس لی شن هر پابلیشت  
 Saffarzadeh passed away in 1387.  
 ترتین ایتی سون این اوی پست صفارزاده

(الف) متن های زیر را بخوانید.

طاهره صفار زاده یک نویسنده، مترجم و متفکر ایرانی بود.  
 وقتی که بچه های دیگر بیرون در حال بازی کردن بودند، او  
 خواندن و قرآن تلاوت کردن را در سن ۶ سالگی یاد گرفت.  
 به عنوان یک دانش آموز نوجوان، او به سختی تلاش می کرد تا  
 چیزهای جدید یاد بگیرد.  
 او همچنین در آن زمان در حال نوشتن شعر بود.  
 او اولین کتابش را در حالی که هنوز در دانشگاه درس می خواند  
 منتشر کرد.  
 او هنگامی که در حال درس خواندن و درس دادن ترجمه بود  
 به ترجمه قرآن کریم علاقه مند شد. او ترجمه قرآن کریم  
 خودش را در سال ۱۳۸۰ منتشر کرد.  
 صفار زاده در سال ۱۳۸۷ درگذشت.

Alexander Fleming was a great researcher. He was doing research in his laboratory in winter 1928. He was trying to find a new medicine to save people's lives. He found a new medicine when he was working on antibiotics. This was the amazing penicillin. Many other doctors were also working on this medicine in those days. They helped the first patient with penicillin in 1942 when the flu was getting around.

اکسندر فلمینگ یک محقق بزرگ بود. او در زمستان سال ۱۹۲۸ در حال تحقیق در آزمایشگاهش بود. او تلاش می کرد دارویی جدید پیدا کند تا زندگی مردم را نجات دهد. او وقتی که در حال کردن روی آنتی بیوتیک بود دارویی جدید پیدا کرد. این همان پنی سیلین شگفت انگیز بود. بسیاری از پزشکان دیگر هم در آن روزها در حال کار کردن روی این دارو بودند. آنها با پنی سیلین به اولین بیمار در سال ۱۹۴۲ وقتی که آنفولانزا در حال شیوع بود کمک کردند.

C. Tell your teacher how 'past progressive' is made.

(پ) به معلمان بگویید «زمان گذشته استمراری» چگونه ساخته می شود.

D. Read the conversation on page 76 and underline all 'past progressive verbs'.

(ت) مکالمه صفحه ۷۶ را بخوانید و زیر فعل های زمان گذشته استمراری خط بکشید.

were reading  
was reading

working  
was studying

E. Read the following paragraph and choose the best verb forms.

(ث) پاراگراف زیر را بخوانید و بهترین شکل فعل را انتخاب کنید.

It was raining yesterday. I was **sitting/sit** in the living room.

دیروز داشت باران می بارید. من نشسته بودم / می نشینم در اتاق پذیرایی.

I **watched/was watching** a movie about a great scientist, Ghiyath al-Din Jamshid Kashani.

من تماشا کردم / داشتم تماشا می کردم فیلمی درباره یک دانشمند بزرگ غیاث الدین جمشید کاشانی.

He was a great inventor. He was from Kashan. His father was a doctor.

او مخترع بزرگی بود. او اهل کاشان بود. پدرش یک پزشک بود.

Jamshid **is/was** very interested in numbers and planets.

جمشید به اعداد و سیارات بسیار علاقه مند است / بود.

Actually, he **invented/invent** many interesting things when he **was solving/solved** math problems.

در واقع او چیزهای جالب زیادی اختراع کرد / اختراع می کند وقتی که او داشت حل می کرد / حل کرد مسایل ریاضی را.

Sadly, this scientist **has/had** a very short life. Someone **was killing/killed** him when he **worked/was working** in his observatory. He was/is only 42 years old.

متأسفانه، این دانشمند عمر بسیار کوتاهی دارد / داشت. شخصی او را داشت می کشت / کشت وقتی که او کار کرد / داشت کار می کرد در رصدخانه اش. او فقط ۴۲ سال داشت / دارد.



## G. Pair up and talk about the things you were doing at the given times.

(ج) گروه‌های دوفره تشکیل بدهید و در مورد کارهایی که در زمان‌های مشخص شده در زیر در حال انجام آن بوده‌اید صحبت کنید.

1. Yesterday at 5 I was watching a movie. دیروز ساعت ۵، من در حال تماشای فیلم بودم.
2. When the teacher came in, we were talking. وقتی که معلم وارد شد، ما در حال صحبت کردن بودیم.
3. This morning at 5:30, I was sleeping. امروز ساعت ۵:۳۰، من در حال خوابیدن بودم.
4. When my father came home, I was reading a novel. وقتی که پدرم آمد خانه، من داشتم یک داستان بلند می‌خواندم

## Listening and Speaking گوش کردن و صحبت کردن

## A. You may use 'simple past' and 'past progressive' together to narrate a story. Past progressive is sometimes used to give background/ situation to the story.

(الف) ممکن است شما از زمان‌های «گذشته ساده» و «گذشته استمراری» با هم برای نقل کردن داستان استفاده کنید. گذشته استمراری گاهی اوقات مورد استفاده قرار می‌گیرد تا به داستان موقعیت بدهد یا زمینه بخش آن باشد.

Last night at 8 o'clock we were sitting in the hall.

هال ذِ این سیتینگ وِ وی اُکلاک ایت اَت نای اُست

شب گذشته ساعت هشت، ما در هال نشسته بودیم.

We were talking about our day. Suddenly we heard a noise.

نویز اِ هِرْدُ وی سادِن لی دِی اُور اِبوت تاکینگ وِ وی

ما در حال صحبت کردن در مورد روزمان بودیم. ناگهان صدایی شنیدیم.

My father went out to see what was making the noise.

نویز ذِ میکینگ واز وات سی تو اُوت ونت فاڈر مای

پروین رفت تا ببیند چه چیزی آن صدا را ایجاد کرده است.

When my father was walking in the yard,

یارْد ذِ این واکینگ واز فاڈر مای وِن

وقتی که پدرم داشت در حیاط قدم می‌زد

we went to the kitchen. We saw a kitty in the kitchen.

کیچِن ذِ این کیتی اِ سا وی کیچِن ذِ تو وِنْت وی

ما به آشپزخانه رفتیم. ما در آشپزخانه یک گربه دیدیم.

It was eating a cookie. Poor kitty was hungry.

هانگْری واز کیتی پُر کوکی اِئی تینگ واز ایت

آن در حال خوردن کلوچه بود. گربه بیچاره گرسنه شده بود.

You may use the following patterns to ask and answer about stories that happened in the past.

ممکن است شما از الگوهای زیر را برای سؤال کردن و پاسخ دادن در مورد داستان‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده است، استفاده کنید.

What were you doing (yesterday at 8)?

تو (دیروز ساعت ۸) در حال انجام چه کاری بودی؟

What was happening (yesterday at 8)?

(دیشب ساعت ۸) چه اتفاقی در حال رخ دادن بود؟

## B. Listen to the following conversations and check the correct answer.

(ب) به مکالمه‌های زیر گوش دهید و پاسخ صحیح را علامت بزنید.

### Conversation 1

1. Leila was  walking home  taking a taxi  
 2. The driver was  careful  careless

### Conversation 2

1. Amir went  shopping  playing  
 2. Amir was walking  in a restaurant  at bazar

### Pronunciation

### تلفظ

A. Listen to the following sentences. Notice how the speakers say some words with more emphasis.

(الف) به جمله‌های زیر گوش کنید. توجه کنید که شخص گوینده چگونه برای تأکید بعضی کلمات را بیان می‌کند. (دانلود فایل صوتی)

1. Were you doing the research? No, Ali was. آیا تو در حال انجام تحقیق بودی؟ نه، علی بود.

واز علی ن ریسرچ ذ دواینگ یو ور

2. Who broke the window? It wasn't me. چه کسی پنجره را شکست؟ من نبودم.

می واژنت ایت ویند ذ بُرک هو

3. Why were the students making so much noise? They weren't. The workers were making noises.

نویز میکینگ ور ورکرز ذ ورت ذی نویز ماچ س میکینگ ستیوڈنت ذ ور وای  
 چرا دانش‌آموزان این قدر سر و صدا می‌کردند؟ آنها نبودند. کارگران سر و صدا می‌کردند.

4. Is it Jim's car over there? No, his car is white. آیا آن اتومبیل جیم است که آنجاست؟ نه، اتومبیل او سفید است.

وایت ایز کار هیز ن ذر اُور کار جیمز ایت ایز

B. One word in each sentence is red. Say the sentence with emphatic stress on that word. Can you guess how the meanings of the sentences are different? (دانلود فایل صوتی)

(ب) یک کلمه در هر جمله قرمز است. جمله‌ها را با استرس تأکیدی بر روی آن کلمه بگویید. آیا می‌توانید حدس بزنید معنی جمله چطور فرق می‌کند؟

1. Mina's dress is white. ۱- لباس مینا سفید است. (نه لباس شخص دیگری)  
 2. Mina's dress is white. ۲- لباس مینا سفید است. (نه چیز دیگری)  
 3. Mina's dress is white. ۳- لباس مینا سفید است. (نه رنگ دیگری)

### Writing

### نوشتن

A verb is a word that expresses an action or a state of being.

فعل کلمه‌ای است که انجام کار یا روی دادن حالتی را بیان می‌کند.

- 1) Action verbs:

(۱) افعال کششی

The verbs that express an action. For example:

فعل‌هایی که یک فعالیت را بیان می‌کنند. برای مثال:

He **is writing** a letter.

او در حال نوشتن یک نامه است.



The children **went** to school by bus yesterday.

بچه‌ها دیروز با اتوبوس به مدرسه رفتند.



My brother **drinks** milk every day.

برادر من هر روز شیر می‌نوشد.



2) State verbs:

(۲) افعال حسی

The verbs that express a state rather than an action. They usually relate to emotions, thoughts, and senses.

فعل‌هایی که حالتی را بیان می‌کنند نه یک عمل فیزیکی. این‌ها معمولاً به احساسات، افکار و مفاهیم اشاره دارند.

We **believe** in Allah.

ما به خدا اعتقاد داریم.



We **love** our country.

ما کشورمان را دوست داریم.



She **feels** happy.

او خوشحال است.



### Simple and Continuous Forms

شکل‌های ساده و استمراری

1) We can use the simple or the continuous form of **action verbs**:

می‌توانیم شکل ساده یا استمراری افعال حرکتی استفاده کنیم.

■ I **cleaned** my room yesterday.

دیروز اتاقم را تمیز کردم

■ I **am cleaning** my room now.

اکنون مشغول تمیز کردن اتاقم هستم.

2) We usually use simple form rather than the continuous form of **state verbs**:

برای افعال حسی به جای شکل استمراری معمولاً از شکل ساده استفاده می‌کنیم.

■ I **don't know** the name of the street.

اسم خیابان را نمی‌دانم.

■ Kids **love** chocolate.

بچه‌ها شکلات دوست دارند.

**B. Read the following sentences and choose the best verb forms:**

(ب) جملات زیر را بخوانید و بهترین شکل فعل را انتخاب کنید.

1. I (**don't like** / am not liking) reading newspapers.

من (دوست ندارم / در حال دوست نداشتن) خواندن روزنامه‌ها را.

2. At 3 o'clock yesterday, I (**needed** / was needing) a taxi.

دیروز ساعت سه من (نیاز داشتم / در حال نیاز بودم) یک تاکسی.

3. She (watches / **is watching**) television at the moment.

او (تماشا می‌کند / در حال تماشا است) تلویزیون را در این لحظه.

4. I (**want** / am wanting) to go to the cinema tonight.

من (می‌خواهم / در حال خواستن) بروم به سینما امشب.

5. Unfortunately, he (**didn't remember** / wasn't remembering) my name.

متأسفانه او (بیاد نمی‌آورد / در حال بیاد نیاوردن بود) اسم مرا.

What you learned

آنچه آموختید

**A. Listen to the first part of a story.**

(الف) به بخش اول داستان گوش کنید.

1. Fill in the blanks based on what you just heard.

جاهای خالی را با توجه به آنچه شنیده‌اید کامل کنید.

Sajjad was taking pictures yesterday at **the park**.

سجاد دیروز داشت در پارک عکس می‌گرفت.

When he was taking pictures **fire fighters** came to help.

وقتی که او داشت عکس می‌گرفت، آتش‌نشان‌ها برای کمک آمدند.

2. Listen again and list 'past progressive verbs'.

دوباره گوش کنید و فعل‌های ماضی استمراری را بنویسید.

**was taking- was walking- was waiting**

**B. Now listen to the rest of the story.**

(ب) اکنون به ادامه داستان گوش کنید.

The firefighters jumped out of their cars. They **were working** quickly. They **were putting** out the fire. People **were standing** near the building. They were watching the fire. It was dangerous. Sajjad put his camera aside and asked people to leave. The firefighters put out the fire when he **was talking** with people.

آتش‌نشان‌ها از ماشین‌هایشان بیرون پریدند. آنها سریع کار می‌کردند. آنها آتش را خاموش می‌کردند. مردم در کنار ساختمان ایستاده بودند. آنها آتش را تماشا می‌کردند. آن خطرناک بود. سجاد دوربینش را کنار گذاشت و از مردم درخواست خروج کرد. آتش‌نشانان آتش را خاموش کردند هنگامی که او با مردم صحبت می‌کرد.

3. Underline all 'past progressive verbs'.

زیر همهی فعل‌های ماضی استمراری خط بکشید.